



ویژه نامه نشریه زائر

بعثه مقام معظم رهبری

جمعه ۳ آبان ۱۳۹۲  
۲۰ ذی الحجه ۱۴۳۴  
۲۵ اکتبر ۲۰۱۳ - شماره ۲



امام خمینی رحمت الله علیه

«اکنون ما منتظران قدوم مبارکش موفف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولیعصر(عج) حاکم کنیم. [تعیین در فرج] کار شما باید بشود، شما باید زمینه را برای آمدن او فراهم کنید [به وسیله] اینکه مسلمین را با هم مجتمع کنید، همه با هم بشوید، ان شاء الله ایشان ظهور میکنند.»



رهبر معظم انقلاب اسلامی

«مسئله انتظار امام زمان(عج) یکی از زنده‌ترین مسائل اسلامی است که هم در دوران مبارزه با طاغوت، به مبارزان امید می‌داد، و هم امروز که روز حکومت اسلامی و حکومت مستضعفان زمین است، ما را تشویق می‌کند که حرکت خود را تسریع کنیم. انتظار ظهور مهدی موعود(ع) بخش عظیمی از اعتقادات ماست.»

معنویت  
هم اندیشی  
اتحاد اسلامی

# درخشش ماهتاب در زیارت آفتاب

# اسم کلوسر النرج

چندی است که من زائر این شهرم و تو، پیشرو قافله‌هایی! من از همسایگی مشرق آمده‌ام تا سیمای سوخته را بر جای قدم‌های آفتاب مغرب گذارم و طلوع آخرین خورشید بی غروب را به تماشا نشینم. کجایی؟

در انتظار ما ماندن، چاره کار نیست و انتهای راه ندارد

و در انتظار تو ماندن هم که در باغ عقل و دل و حوصله ما، نمی‌نشیند.

در نیامدن هم که نیستی‌ها همه هستند و هست‌ها هیچکدام نیستند و در

کشاکش این هست و نیست، همه چیز دارد از دست می‌رود،

چه باید کرد؟

چاره چیست؟ و به کجا باید نگریست؟!؟

تو خود امید آمدنت را به ما بخشیدی و خدایت منت و غایت نعمتش را گل آویز گذار قدمهایت کرده است!

چه کنیم؟

مارا با چه کنم هایمان رها می‌کنی؟

و در پشت حسرت‌ها و آرزوها به تند باد حادثه‌ها می‌سپاری؟ باور نمی‌کنم

زیرا می‌دانم، جایی همین نزدیکی‌هایی و عیب این است که ما اینجا نیستیم

ایکه صدایمان را می‌شنوی

این شب جمعه از روزه بام سوم بیت الله الحرام تمام دلم را به کمان نگاهم می‌نشانم

و از درب خانه تا مقام ابراهیم فرش راهت می‌کنم اگر تو گرم کنی

وای خدای من!

چه می‌شود، درخشش ماهتاب در زیارت آفتاب!!

بایدها و نبایدهای انتظار  
از دیدگاه مراجع عظام تقلید

« ۲

مهدویت در اندیشه شهید مطهری  
انسان کامل برای زندگی کامل

« ۳

روایتی شگفت انگیز از معجزه امامت  
فلسفه غیبت

« ۶

## بایدها و نبایدهای انتظار از دیدگاه مراجع عظام تقلید

حضرت امام خمینی (ره)

**امام مهدی (عج)؛ برپا کننده عدالت همه جانبه؛** «معنا و مفهوم عدالت صرفاً آن برداشت رایج و عمومی نیست که منحصر به زندگی رفاهی باشد بلکه منظور از آن تحقق عدالت در همه مراتب انسانیت، و برگرداندن هر نوع انحراف و اعوجاج به میزان اعتدال است. قدرت و امکان برقراری این عدالت، در میان همه انبای بشر و رهبران الهی، تنها در اختیار امام مهدی (ع) قرار گرفته است تا آن حضرت (ع) به این مهم قیام نماید.»

**وظایف و توصیه‌ها؛** «ما باید در این طور روزها و ایام الله [ولادت امام زمان (عج)] توجه کنیم که خودمان را برای آمدن آن حضرت (ع) مهیا کنیم... و ما باید خودمان را مهیا کنیم برای اینکه اگر چنانچه موفق به زیارت ایشان شدید، پیش ایشان روسفید باشیم. تمام دستگاه‌هایی که الآن به کار گرفته شده‌اند، در کشور ما، ... باید به این معنا توجه داشته باشند که خودشان را برای ملاقات حضرت مهدی (ع) مهیا کنند... و خدا همه ما را موفق به خدمت ایشان و خدمت به اسلام و کشور خودمان کند.»

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای  
(مد ظله العالی)

**انتظار؛ مایه امید؛** «این وعده [بر چیدن بساط ظلم، جور و تبعیض از سراسر دنیا] وعده کوچکی نیست و تمام مبارزات عالم - اعم از دینی و غیر دینی - بر اثر امید به یک نقطه روشن انجام گرفته که اگر این امید نباشد، مبارزه‌ای هم نخواهد بود. اعتقاد به امام زمان (ع) وسیله حرکت و عامل نشاط برای ملت ما و تمام کسانی است که به این مسئله اعتقاد دارند.»

**امام زمان (ع) الگوی جهاد برای اهل ایمان؛** «امام زمان (عج) باید به صورت یک الگو برای مؤمنان درآید. اگر آن حضرت با کفر می‌جنگد و برای عدالت زحمت می‌کشد و مجاهدت می‌کند، ما هم که مأموم و دنباله‌رو او هستیم، باید برای گسترش عدالت مجاهدت کنیم.»

**رابطه امام و مأموم؛ عامل ایجاد جمهوری اسلامی؛** «فاصله میان ما و امام زمان (ع) به معنای فاصله یک امام و مأموم است. این برداشت مثبت موجب شده که دل‌های روشن و فکرهای صحیح در صدد مبارزه برآیند، و همین برداشت بود که جمهوری اسلامی را به وجود آورد. حرکت آن حضرت (ع) به هر سمتی باشد، [باید] حرکت پیروان او هم به همان سمت باشد.»

**زنده کردن روح انتظار؛** «مردم ما باید روح انتظار را به تمام معنا در زندگی خود زنده کنند. ملت مسلمان ایران برای حاکمیت اسلام و نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود (عج)، اولین گام را برداشته، و این حقیقت روشن که جمهوری اسلامی ایران به توفیقات بزرگی در زمینه‌های مختلف دست یافته، همیشه برای دشمنان اسلام دردآور بوده است و ما این موفقیت‌ها را از جمله معجزات اسلام می‌دانیم.»

مرحوم آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)

امیدواری به آینده شکوهمند؛ همگان باید به آینده امیدوار باشند و فردا و

فرداها را بسان گذشته و اکنون نپندارند، آینده‌ای در انتظار است که پیروزی حتمی از آن صلاح و عباد صالح، و شکست و نابودی از آن فساد و عباد ناصالح است. «**ضرورت انتظار و آمادگی؛** «اکنون که عصر غیبت و دوران محرومیت از ظهور است، باید با حبل محکم انتظار، خود را برای فرج آن حضرت آماده سازیم. باید بر اساس موازین صحیح و معتبر و مستند، اعمال خود را تنظیم نماییم، باید فریب ادعاهای افراد آلوده به دنیا که از هر امری خصوصاً مقدسات برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌نمایند نخوریم. باید دین را از آگاهان به دین و شریعت بیاموزیم و به آن عمل نماییم. باید فرهنگ صحیح و عمیق انتظار را در جامعه خود در همه طبقات پیاده نماییم و بالاخره باید جامعه‌ای در حد امکان، مهدوی داشته باشیم.»

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (مد ظله العالی)

**پرهیز از عوام‌گرایی و کمیت‌گرایی در تبلیغ مهدویت؛** «در زمینه تحقیقات مهدوی پرهیز از عوام‌گرایی، اجتناب از کمیت‌گرایی در پژوهش‌ها بدون توجه ویژه به کیفیت، و دوری از انجام کارهای تکراری و غیرمفید، همواره باید مد نظر باشد. ضمن آنکه رویکرد عمل‌گرایانه و ارتباط میان مقولات مهدوی، و توجه به ساحت اخلاق و معنویت و تربیت جامعه و اهتمام به ارتقای فرهنگ تشیع اصیل و انتظارات آن یگانه دوران از شیعیان و ارادتمندانش در رأس کارهای پژوهشی قرار گیرد.»

استفاده صحیح  
از ظرفیت‌های موجود؛

«در زمینه تبلیغات مهدوی، شایسته است در جهت شناساندن آن محبوب دل‌ها و آرمان والایش، از همه ظرفیت‌های موجود رسانه‌ای و تبلیغاتی استفاده کرد و چهره نورانی و تابناک حضرتش را با ابزارهای نوین و آنچنان که زبینه آن امام بزرگوار است در داخل و خارج معرفی کرد.»

**پرهیز از ملامتی و مناهی؛** «هرگونه حرکت تبلیغاتی در این زمینه، باید به نحوی باشد که موجبات رضایت خاطر آن ولی دوران را فراهم نماید و از ملامتی و مناهی در آن جدا پرهیز گردد؛ چه آنکه مجلسی که منسوب به امام زمان (ع) است نباید به گناه و معصیت، آلوده گردد.»

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله العالی)

**لزوم هوشیاری و حضور در صف عدالت‌طلبی؛** «شما جوانان باید در صف اول دفاع از عدالت قرار داشته باشید تا از نخستین یاوران حقیقی مهدی موعود (ع) محسوب شوید و دهه مهدویت را به اقصی نقاط دنیا برسانید. دشمنان اسلام تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند، تا جوانان را با برنامه‌ها و سایت‌های غیراخلاقی، از صف عدالت‌خواهان و حامیان امام زمان (ع) جدا سازند، لذا بیداری و هوشیاری فوق‌العاده شما، در برخورد با تفکرات ضد دینی امری لازم است.»

توجه: پی‌نوشت‌ها در دفتر نشریه زائر موجود است.

## مهدویت در اندیشه شهید مطهری

# انسان کامل برای زندگی کامل

پیروزی آن انقلاب بزرگ است. در این جا ذکر دو نکته ضروری به نظر می رسد:

۱. سایر ادیان نیز به انتظار معتقدند با این تفاوت که در آن دیدگاه ها، سخن از یک موجود نجات بخشی است که در آینده می آید و به امور سامان می دهد ولی در اندیشه تشیع، سخن از انسان شریفی است که او هم همراه با سایر مردم انتظار می کشد؛ منتظری است که با ما زندگی می کند، دردها و غصه ها را احساس می کند و مقام ولایت تکوینی در بین مردم دارد.
۲. انتظار فرج، صرف نظر از اسلامی بودن اندیشه ای است که چون نوعی خوش بینی نسبت به آینده بشر (و طرد بدبینی) است، ارزشمند و ششور و تحرک آفرین، تحرک بخش، امید دهنده و تعهد آور و ... است. به ویژه در این عصر، که بشر سرگردان و گرفتار (روزمرگی) زندگی ماشینی، بیش از هر زمان نیاز به مأمن و ملجأ اعتقادی دارد تا خود را از اندیشه های نیهیلیستی برهاند و روان تشنه خود را سیراب نماید.

### مهدویت و آینده تاریخ

در اندیشه تربیت شدگان مکتب قرآن، تاریخ سیر صعودی و تکاملی دارد. هر اصلاحی که امروز به دست بشر صورت گیرد، زمینه ای خواهد بود برای یک اصلاح نهایی و حکومت جهانی، هر چند این اندیشه با بعضی اندیشه های ماتریالیستی و غیر ماتریالیستی به ظاهر شباهت دارد، ولی در اصول اساسی کاملاً با آن دیدگاه ها متفاوت است؛ نخست این که در تئوری مهدویت اسلامی سخن از آینده تاریخ، بیان حاکمیت اراده الهی است نه صرفاً طبیعت مادی تاریخ (به استناد آیات کریمه قرآن) دوم آن که در این دیدگاه، این انسان های صالح هستند که همواره زمینه و شرایط تحقق آن جامعه واحد جهانی را فراهم می کنند؛ و سوم این که، ارزش هر مبارزه ای به حق بودن آن است نه نوبت بودن آن. در این اندیشه، هر مبارزه ای تنها برای احقاق حق فردی و اجتماعی مشروعیت و قداست پیدا می کند. استاد مطهری در بیان نقش حضرت حجت (ع) در تکامل تاریخ و بشریت می فرماید: «یعنی زندگی بشر در آینده منتهی می شود به عالی ترین و کامل ترین زندگی ها که از جمله آثاری که در آن هست آشتی انسان و طبیعت است و آن این است که زمین تمام معادن خود را در اختیار انسان قرار می دهد، آسمان تمام برکات خود را در اختیار انسان قرار می دهد و همه این ها خود تکامل تاریخ است.»

ایشان در جای دیگر مشخصات حکومت حضرت مهدی (ع) را این گونه بیان می نمایند: «ما مسلمان ها بالاخص شیعیان می گوئیم دوره سعادت بشری آن عصری است که دوره عدل کامل است یعنی عصر ظهور حضرت حجت (ع)؛ آن دوره که اولین مشخصه اش این است که دوره حکومت عقل است یعنی دوره ای که در آن، علم اسیر و برده نیست. امیرالمؤمنین (ع) تعبیری درباره آن عصر دارد که می فرماید: «در آن عصر مردم صحگاهان و شامگاهان جام حکمت و معرفت می نوشند.»

و حق کشی و هر پلیدی ای به حکم این که مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کند، رواست، زیرا «الغایات تبرّر المبادی» هدف ها، وسیله های نامشروع را مشروع می کنند. پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است. این جاست که گناه، هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کام جویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی! در اندیشه آرمان گرایانه استاد مطهری، انتظار در معنای اولش بزرگ ترین محرک اجتماعی است که انسان را برای حاکمیت ارزش ها و محو ضد ارزش ها تشویق می کند، برای همین انتظار بدین معنا را با فضیلت ترین عبادات دانسته اند: «**افضل الأعمال إنتظار الفرج.**»

شهید مطهری با استناد به آیات ۵ سورة قصص، ۱۰۵ سورة انبیا و ... چنین نتیجه گیری می کند: «از این آیات استفاده می شود که ظهور مهدی موعود حلقه ای از حلقه های مبارزه اهل حق و اهل باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود، سهیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که بدان ها در روایات استناد شده است، نشان می دهد که مهدی موعود (ع) مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است، مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است. بنابراین هر مبارزه حق گرایانه ای، حلقه ای از حلقه های مبارزه جهانی و هر پیروزی، جلوه ای از

استاد شهید مرتضی مطهری، در چند اثر خود به بررسی مسئله مهدویت و انتظار پرداخته اند. یکی از تعابیر ارزشمند ایشان، در وصف جایگاه حضرت حجت (ع) در زمین، تعبیر «صاحب» است. در کتاب گفتارهای معنوی، ضمن بیان حدیثی از رسول اکرم (ص) پیرامون امداد های الهی نسبت به بشریت به واسطه حضرت مهدی (ع)، چنین نتیجه می گیرند: **خدا هرگز دنیا را بی صاحب نگذاشته است، و بی صاحب هم نخواهد گذاشت.**

### فلسفه و انواع انتظار

«انتظار» از مفاهیم دو پهلو و لغزنده ای همانند: تقدیر، توکل، صبر و ... است، که در طول تاریخ اندیشه اسلامی، برداشت های متفاوتی از آن شده است. هر بار کسی به تناسب فهم و درک خود، دستی بر این واژه کشیده و به این درک خشوند گذشته، حق را همان پنداشته است.

استاد مطهری در این باره می فرماید: «معلوم است که بدعت در دین خاتم هم امکان پذیر است چنان که برخی از ما هم که شیعه هستیم و اعتقاد داریم به وجود مقدس حضرت حجت بن الحسن، می گوئیم ایشان که می آیند «بأی بدین جدید». تفسیرش این است که آن قدر تغییرات و اضافات در اسلام پیدا شده است که وقتی او می آید و حقیقت دین جدش را می گوید به نظر مردم می رسد که این دین غیر از دینی است که داشته اند و حال این اسلام حقیقی همانی است که آن حضرت می آورد.»

استاد مطهری خصوصیات دو گونه انتظار (مثبت) و (منفی) را این گونه بیان می کند:

«انتظار فرج و آرزو و امید و دل بستن به آینده دو گونه است. انتظاری که سازنده و نگهدارنده، تعهدآور، نیرو آفرین و تحرک بخش است، به گونه ای که می تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود و انتظاری که گناه است: ویرانگر، اسارت بخش و فلج کننده و نوعی (اباحه گری) باید محسوب شود. این دو نوع انتظار فرج، معلول دو نوع برداشت از ظهور عظیم مهدی موعود است و این دو نوع برداشت به نوبه خود، از دو نوع بینش درباره تحولات در انقلاب های تاریخی ناشی می شود.

در نگاه انتظار ویرانگر و منفی - که متأسفانه در جامعه ما هم طرفدار دارد - هر اصلاحی در جامعه محکوم است چرا که باید ظلم و تباهی رواج داشته، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکه تاز میدان گردد، تا انفجاری رخ دهد و انتظار به سر آید! بنابراین هر اصلاحی محکوم است، زیرا هر اصلاح یک نقطه روشن است. تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست دست غیب ظاهر نمی شود، برعکس، هر گناه و فساد، و هر ظلم، تبعیض



## حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مهدویت باوری الهام آفرین



و درگیری بین مسلمانان و قیام علیه حکومتها، و موجب تبلیغات سیاسی دانسته‌اند و گاهی نیز به برخی اختلافاتی که بین پاره‌ای از احادیث این باب است، استناد کرده‌اند.

و این همه، از عجیب و غریب‌ترین نوع استدلال‌هایی است که در ردّ سنت شریف نبوی، صلی الله علیه و آله و سلم، به آن تمسک شده است: **از آنرو که اولاً:** بر وقوع ذکر این عقیده بین صحابه و تابعین صدر اول اسلام، و بر اینکه خود پیامبر، صلی الله علیه و آله و سلم، اولین پایگاه برای نشر «عقیده به مهدویت» در بین مسلمانان بوده‌اند، چه دلیلی قوی‌تر و محکم‌تر از وجود خود این احادیث متواتره، در اصلی‌ترین و معتبرترین کتاب‌های اهل سنت؟!

و چه برهانی روشن‌تر از اجماع علمای مسلمین، و اینکه آنان هیچکس از مدعیان مهدویت را با استناد به «عدم صحت ظهور حضرت مهدی، علیه السلام» ردّ نکرده‌اند، بلکه در ردّ ادعای او، به «عدم وجود صفات و نشانه‌های خاصّ حضرت مهدی (عج)، علیه السلام، در او» استناد کرده‌اند.

چنان که حکایت «محمد بن عجلان» با «جعفر بن سلیمان» و آنچه فقیهان و اشراف اهل مدینه درباره‌ی آنان گفته‌اند، شاهدهی آشکار در این زمینه به شمار می‌رود.

**ثانیاً:** شاید هرگز هیچ عقیده و یا اصلی را نتوان یافت، که بر سر آن اختلاف و درگیری و نزاع، صورت نگرفته باشد. حتی می‌توان گفت که پیرامون «مسائل خداشناسی» و «نبوت پیامبران الهی، علیهم السلام»، نیز، نزاع‌ها و درگیری‌ها، بیش از مسئله «مهدویت» به وقوع پیوسته است.

چنانکه بین مکتب اشاعره و غیر آنان، و بین پیروان مذاهب شافعی، حنفی، حنبلی، مالکی و غیر آنان، درگیری‌ها بلکه

بدون شک، «عقیده به مهدویت» و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، به عنوان منجی عالم بشریت باوری صرفاً اسلامی است که بر اساس کتاب و سنت پدید آمده و همگی مسلمانان پیشین و پسین، بر آن اتفاق نظر دارند. این باورداشت، بعنوان اندیشه‌ای اسلامی، بر پایه‌ی قویترین برهان‌های نقلی و عقلی استوار است و بررسی و شواهد بسیار آن، بهترین تأیید بر صحت و منانیت آن به شمار می‌رود و هیچ یک از مسلمانان، چه از شیعیان و چه از اهل سنت، به انکار یا تشکیک در آن نپرداخته است، مگر برخی از تازه به دوران رسیده‌هایی که تحت تأثیر تبلیغات غرب قرار گرفته و در دام‌های استعمار گرفتار آمده و فرهنگ را جز با انکار الهام و روایات قطعیه و یا تعریف و تأویل آن در چارچوب مقاصد منکرین دیانت و مادی‌گرایان، تفسیر و تحلیل نمی‌کنند.

آنچه مسلم است، اینکه در پس پرده‌ی این توطئه، جز دست‌های پلید کسانی که در صدد سست کردن اعتقادات مسلمانان و خدشه‌دار کردن متون اسلامی هستند، دستی را نمی‌توان دید. در گذشته همین التزام و اعتقاد و پایبندی مردم به کتاب و سنت پاک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود که دشمنان و استعمارگران را از نفوذ در کشورهای اسلامی بازمی‌داشت و راه سلطه بر این بلاد را بر روی آنان می‌بست.

خنده‌آور است که این بی‌خبران و غرب‌باوران - که به شدت دور از شناخت حقایق اسلامی و فهم مصالح مسلمین اند - در تضعیف «باور مهدویت» و احادیث مربوط به آن، گاهی به این بهانه تمسک جسته‌اند که این عقیده اصولاً از عقاید پیشگامان اهل سنت نیست و در بین صحابه قرن اول هجری و تابعین، ذکری از آن به میان نیامده است. گاهی دایه‌ی مهربانتر از مادر شده، این عقیده را سبب اختلاف

## و لشکریان ما پیروزمند و غلبه یافتگان اند.

### کتاب‌های مستقل درباره «مهدویت»:

دانشمندان اسلامی همواره به روایات مربوط به حضرت مهدی (علیه السلام)، اهمت خاصی داشته و در استخراج و تحقیق و رساندن آنها به جامعه، و محکم کردن ایمان به آنها در قلوب مردم، سعی و تلاش فراوان داشته‌اند. از این رو علاوه بر آوردن این روایات در کتب «سنن» و «مسانید» و «جوامع» و غیره، کتاب‌های روایی مستقل و مجموعه‌های احادیث خاص در این زمینه، فراوان نگاشته‌اند.

از آن میان، ما به افزودن از سی کتاب که به شکل مستقل، به کوشش بزرگان اهل سنت، در این باره تألیف شده است، آگاهی یافتیم که بعنوان نمونه، می‌توان از کتاب‌های «البیان فی اخبار صاحب الزمان» و «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، علیه السلام» و «عقدالدار» و «العرف السوری» و ... نام برد. این کتاب‌ها و نظایر آنها، کمترین چیزی را که اثبات می‌کنند، این است که «باورداشت مهدویت» باوری اسلامی است که اساس آن به کتاب و سنت نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) بر می‌گردد و همه پیشینیان و صحابه و تابعین، به آن اعتقاد داشته‌اند و اختصاصی به مذهبی خاص از مذاهب مختلفه مسلمین ندارد. اینکه خود این عقیده، یکی از دلایل قطعی بر پایان یافتن سلسله پیامبران الهی به وجود شریف پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد(ص) است و اینکه آیین او، هرگز «سخ» نخواهد گشت و اینکه حضرت مهدی (عج) - چنانکه در کتاب «المهدی»

از «سنن ابوداود» آمده، و احادیث صحیحه متعددی به آن تصریح دارند - دوازدهمین جانشین اوست. آخرین نفر از جانشینانی که رسول گرامی، (صلی الله علیه و آله و سلم) امت خویش را به آمدن یکایک آنان بشارت بخشیده است و این بشارت، همگی در احادیث گوناگونی که با سندهای فراوان در «مسند احمد بن حنبل» و «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» و غیر آنها، نقل شده است؛ مورد اعتراف همگان است.

ما در این مختصر، تنها درباره یکی از این کتاب‌ها، که پیامبر این موضوع نگاشته شده است، سخن می‌گوییم و بعنوان نمونه‌ای از اینگونه تألیفات و بعنوان دلیلی بر بسیاری چشمگیر این مطالب در کتاب‌های دیگر، به بررسی آنچه در این کتاب آمده است، می‌پردازیم. این کتاب «البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، علیه السلام» نام دارد. اما کتاب و مؤلف آن، هر دو بی‌نیاز از تعریف هستند؛ زیرا خود کتاب از کتاب‌های مشهور و معروف است، که نسخه خطی آن در چندین کتابخانه بزرگ موجود است و اخیراً چاپ جدیدی از این کتاب، با استفاده از تصویربرداری از نسخه خطی موجود در کتابخانه مسجدالحرام در مکه مکرمه، عرضه شده است و ما خود نیز نسخه خطی دیگری از آنرا که در کتابخانه مسجد اعظم قم - از یادگاری‌های مرحوم مغفور آیت الله العظمی بروجردی - حفظ و نگهداری می‌شود، مشاهده کرده‌ایم.

مؤلف این کتاب، عالم بزرگ و محدث مشهور علی بن حسام الدین بن عبدالملک المتقی الشاذلی المدینی الهندی، متوفی به سال ۹۷۷ هجری قمری است. او نویسنده‌ای معروف است و شرح حالش در کتاب‌هایی که پیامبرون زندگینامه‌های علماء و بزرگان اهل سنت نوشته شده‌اند، موجود است. چنانکه در مقدمه و نسخه چاپ شده همین کتاب نیز، شرح زندگانی و آثار و مقامات او، درج گردیده است. از جمله است اسامی برخی روایت کنندگان درباره حضرت مهدی(عج) از مردان و زنان اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم):

- ۱- علی بن ابیطالب، ۲- عمار بن یاسر، ۳- حذیفه یمانی، ۴- ابوسعید خدری، ۵- طلحه بن عبیدالله، ۶- ابن عمر، ۷- عبدالله بن مسعود، ۸- جابر بن عبدالله، ۹- عبدالرحمان بن عوف، ۱۰- عمر بن خطاب، ۱۱- ابن عباس، ۱۲- ابوهریره، ۱۳- انس بن مالک، ۱۴- ابو امامه هلالی، ۱۵- ابوطفیل، ۱۶- الحسن، علیه السلام، ۱۷- الحسین، علیه السلام، ۱۸- ثوبان، ۱۹- ابی بن کعب، ۲۰- جابر بن سمره، ۲۱- جابر صدقی، ۲۲- عبدالله بن عمرو بن عاص، ۲۳- عمرو بن عاص، ۲۴- ام سلمه، ۲۵- عایشه، ۲۶- أسماء بنت عمیس، ۲۷- ام حبیبه.

جنگ‌های خونین بسیار، اتفاق افتاده است.

نتیجه اینکه، پوشیده شدن حق با باطل، و عرضه باطل به جای حق، اگر چه از طرف اهل باطل و منحرفین، زیاد انجام می‌پذیرد، لکن به حق ضرری نمی‌رساند و خدش‌های وارد نمی‌کند. چنانکه خداوند بزرگ می‌فرماید:

**«بلکه ما، حق را بر باطل می‌افکنیم تا آنرا در هم شکافد و باطل را نابود گرداند، آنزمان باطل از بین رونده و باطل شدنی است. و اوای بر شما، از آنچه درباره خداوند توصیف می‌کنید.»**

این وظیفه علماء و اندیشمندان است، که «عقیده مهدویت» را تبیین کنند و هدف‌های آن را به مردم بشناسانند و ویژگی‌ها و نشانه‌هایی را که به وسیله آنها «حضرت مهدی موعود، علیه السلام» از دغل پیشگان مدعی «مقام مهدویت» باز شناخته می‌شود، برای توده مسلمان برشمارند و توضیح دهند.

### الهام‌گیری از باورداشت «مهدویت»

بر کسی پوشیده نیست که عقیده به ظهور حضرت مهدی، علیه السلام، عقیده‌ای است که امید می‌آفریند، و نشاط و تلاش ایجاد می‌کند. سستی و ناامیدی و کسالت را از بین می‌برد. حرکت‌های اصلاح‌گراانه و اسلام خواهانه را تشویق می‌کند، و جان‌های شورنده بر استکبار و استضعاف را تقویت می‌نماید. اسلام، هنوز به کمال اهداف خویش نرسیده و به مرحله تحقق همه آرمان‌هایی که برای جامعه عمل پوشانده به آنها، آمده است، دست نیافته، آینده، از آن اسلام است و ناگزیر باید روزی فرا برسد که اسلام عزیز بر همه گیتی، حکمروا باشد، و همه ستمگری‌ها و حق‌کشی‌ها را از بین ببرد. دنیا، بزودی به دامن اسلام، پناه خواهد آورد، و نیاز دنیا به اسلام، هر روز ظاهرتر از روز پیش، به چشم می‌خورد. نور اسلام، هر روز روشن‌تر، و پرتوش هر روز درخشان‌تر از قبل در همه دنیا احساس می‌شود.

بشریت سرگردان امروز، هرگز گمشده خود را در نظام‌های شرقی و غربی نیافته و نخواهد یافت. «اعتقاد به مهدویت» درک ما را نسبت به «کرامت انسان» بیدار می‌کند و این باور را که زمین، نه از آن ستم‌پیشگان و استعمارگران، بلکه از آن خداست، و فرجام کار برای تقوی پیشگان است و خداوند آخرین پیامبر و رسول گرامیش حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را با هدایت و آیین حق، برای غلبه بر تمامی تاریخ فرستاده است تقویت می‌کند و دوستی حقیقت و عدالت و نیکوکاری را در دل‌های ما جای می‌دهد.

خدای تبارک و تعالی - که راستگوترین است - در این باره می‌فرماید:

**«اوست که رسول گرامیش را با هدایت و آیین حق، فرستاد تا آنرا بر همه دین‌ها برتری بخشد. اگر چه ناخوشایندمشرکین باشد.»**

و می‌فرماید:

**«خداوند به کسانی از شما که ایمان آوردند و عمل شایسته انجام دهند، وعده داده است که آنان را در زمین به خلافت رساند، چنانکه پیشینیان آنان را، خلافت بخشید، و دینی را که برایشان پسندیده است اقتدار و تمکین دهد، و ترس و هراس را به آرامش و امنیت تبدیل کند، تا تنها مرا پیوستند. و چیزی را شریک و همتای من قرار ندهند. و هر کس بعد از آن، کفر ورزد از فاسقان بشمار آید.»**

و چنانکه می‌فرماید:

**«ما می‌خواهیم بر مستضعفین زمین منت گذاریم و آنان را پیشوایان مردم و وارثان زمین قرار دهیم.»**

و چنانکه می‌فرماید:

**«کلمه و تقدیر ما، از ابتدا درباره بندگان رسالت یافته خود - قبل از انگیزش آنان به پیامبری - بر این قرار گرفته، که همانا آنان یاری‌شدگانند**

## روایتی شگفت انگیز از معجزه امامت فلسفه غیبت

و پس از پانزده روز بازگشتم. وقتی به مقابل خانه امام عسکری (ع) رسیدم صدای شیون و گریه از خانه امام بلند بود. به خانه امام وارد شدم و جعفر کذاب برادر امام حسن عسکری (ع) را دیدم که نشسته و شیعیان به او تسلیت می گویند و امامت او را به وی تهنیت می گویند! من از دیدن این صحنه بسیار تعجب کردم و مانند دیگران پیش رفتن و تعزیت و تهنیت گفتم. اما او جوابی نداد و از من در هیچ موردی پرسش نکرد. چون بدن مطهر امام را کفن کرده و شرایط برای نماز گزاردن بر پیکر آن حضرت فراهم شد، خادمی آمد و جعفر کذاب را دعوت کرد تا بر برادر خود نماز بخواند. جعفر برای اقامه نماز ایستاد. در همین حال نونهالی گندمگون و پیچیده موی، که دندانهایش از هم فاصله داشت مانند پاره ماه بیرون آمد و ردای جعفر را کشید و در حالیکه او را کنار می زد فرمود: **ای عمو کنار بایست که من به نماز سزاوارترم.**

رنگ جعفر دگرگون شد و بی اختیار عقب ایستاد. سپس آن نونهال بر پدر نماز گزارد و آن حضرت را در کنار امام علی النقی (علیه السلام) دفن کرد. سپس در حالیکه روی خود را به سوی من بر گردانیده بود فرمود: **«جواب نامه هایی را که با تو است تسلیم کن.»** من جواب نامه را به وی دادم. پس کسی از جعفر پرسید: این کودک چه کسی بود؟ جعفر گفت: به خدا قسم من او را نمی شناسم و هرگز او را ندیده ام. در این زمان عده ای از شیعیان از شهر قم رسیدند، چون از وفات امام (ع) با خبر شدند، مردم آنها را به سوی جعفر راهنمایی کردند. چند تن از آن مردم نزد جعفر رفتند و از او پرسیدند: بگو که نامه هایی که در اختیار ماست از سوی چه کسانی است و اموالی که در اختیار ماست به چه میزان است؟ جعفر بهت زده گفت: ببینید مردم، اینها از من علم غیب می خواهند! در آن حال خادمی از جانب حضرت صاحب الامر ظاهر شد و از قول امام گفت: **«ای مردم قم با شما نامه هایی است از فلان و فلان و همیانی در اختیار شماست که درون آن هزار اشرفی است که در میان آن اشرفیها ده اشرفی دارای روکش طلاست.»**

شیعیانی که از قم آمده بودند گفتند: هر کس تو را فرستاده است امام زمان ماست این نامه ها و همیان را به او تسلیم کن. جعفر کذاب شکست خورده و مایوس خود را به معتمد عباسی رساند و او را از شرح جریان واقعه آگاه کرد.

با انتشار خبر شهادت جانگداز حضرت امام حسن عسکری (ع) شهر سامرا را غبار غم فرا گرفت، و از هر سوی صدای ناله و گریه برخاست و مردم خود را برای تشییع و سوگواری بر آن حضرت مهیا میکردند.

برنامه ریزان فتنه گر بنی عباس پروژه تحمیل جعفر کذاب فرزند ناخلف امام هادی (علیه السلام) بر جامعه اسلامی را عملیاتی کرده بودند و از تمام ظرفیت های اطلاعاتی و تبلیغاتی خود برای فریب افکار عمومی مسلمانان استفاده می کردند. شرایط به گونه ای مدیریت می شد که پنداری همه چیز برای انهدام راه خدا و حذف قطعی موعود آخرالزمان فراهم است. افکار عمومی مردم بر حول جعفر کذاب در حال شکل گرفتن بود که نشانه ای بزرگ از تدبیر الهی امام عسکری (ع) و حضور مقدس و موثر امام عصر غیاب فتنه ها را کنار زد. این ماجرای شگفت را از قول ابوالادیان پیک مخصوص امام عسکری می شنویم:

ابوالادیان می گوید: من نامه های حضرت امام حسن عسکری (ع) را به شهرها می بردم. در زمانی که بیماری آن حضرت شدت گرفته بود، روزی من را احضار فرمود و به من دستور داد تا چند نامه را به مدائن برسانم. من در حال خداحافظی بودم که امام فرمود: **«ابوالادیان! پس از پانزده روز به سامره باز خواهی گشت و صدای گریه و شیون اهالی خانه من را خواهی شنید، در آن موقع مشغول غسل دادن من خواهند بود.»**

ابوالادیان می گوید از امام پرسیدم: ای آقای من در صورت وقوع این واقعه دردناک، امر امامت با کیست؟ امام در جواب من فرمود: **«آن کسی که جواب نامه من را از تو طلب کند.»** ابوالادیان می گوید: از امام خواستم تا نشانه دیگری به من بنمایاند؟ امام فرمود: **«آن کسی که بر من نماز گزارد امام شماست.»**

ابوالادیان می گوید از امام (علیه السلام) درخواست کردم تا علامت دیگری را هم برایم هدایت فرماید؟ امام در پاسخ فرمود: **«آن کسی که از محتوای درون همیانی که همراه توست آگاه بود، امام شماست.»**

ابوالادیان می گوید: عظمت و شکوه امام باعث شد که نتوانم چیز دیگری بپرسم. لذا با وداع از امام به سوی مدائن رفتم و نامه ها را به صاحبان آنها رساندم



**خداوند تعالی به  
وسیله غیبت، حجت  
خود و امام دوازدهم  
را از تعدی و قتل  
محفوظ و با این  
صیانت الهی جان  
مبارک او از خطر  
در امان مانده و به  
انجام مأموریت الهی و  
اهداف بلند اصلاحی  
خود موفق خواهد  
گردید.**



**غیبت؛ چرا؟**  
به فرمان معتمد خانه امام حسن عسکری (ع) مورد هجوم و بازری قرار گرفت اما از موعود آخرالزمان اثری نیافتند. ناچار "صیقل" خادمه حضرت امام عسکری (ع) را به اسارت گرفته و مدتها تحت نظر داشتند. ولی جستجو و سخت گیریها بی سرانجام بود و آن موعود مقدس در کنف حمایت خداوندی از توطئه ها در امان ماند.

تغییب و تلاش عوامل بنی عباس برای دست یافتن به آخرین منجی نافرجام بود و دست قدرت خداوندی او را از دست یابی ستمگران مصون داشته بود. اما در پس این اقتدار آسمانی جامعه مسلمانان با یک حقیقت تلخ مواجه شده بود و آن محروم ماندن از درک مستقیم فیض و دیدار امام عصر بود. اسرار و ابعاد این پدیده اعجاب انگیز برای همیشه فکر و اندیشه خردمندان و دردمندان جوامع بشری را متوجه خود کرده است. غایب ماندن حجت خدا از دیدگان مردم چه مفاهیمی را در خود می گرفت؟ اگر چه همه اسرار غیبت روشن نیست اما از مجموعه اخباری که در دست ماست چند دستاورد تحصیل می شود:

**غیبت صغری و کبری**  
به هر حال بندگان خدا سعادت دیدار و ارتباط مستقیم با امام زمان (عج) را از دست دادند و جامه غیبت از دیدگان مردم بر قامت مبارک حجت خدا پوشانده شد. اما این بدان معنا نبود که مسلمانان از نعمت هدایت آن حضرت محروم باشند.  
اما مسیر و مجرای بهره مندی از هدایت امام عصر شکل دیگری پیدا کرد که اصطلاحاً به دو دوره غیبت صغری و غیبت کبری نام گذاری شده است.  
دوران غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری (سال شهادت امام یازدهم) تا سال ۳۲۹ (سال درگذشت آخرین نایب خاص امام) نزدیک به ۶۹ سال به درازا کشید. در دوران غیبت صغری، ارتباط شیعیان با امام بکلی قطع نبود و آنان از طریق عده ای خاص و به طور محدود، با امام ارتباط داشتند.

کسانی که به عنوان «نایب خاص» با حضرت ولی عصر در تماس بودند و شیعیان می توانستند به وسیله آنان مسائل و مشکلات خویش را به استحضار امام برسانند و پاسخ وی را دریافت کنند.

در حقیقت این دوره فرصتی بود که شیعیان تدریجاً برای غیبت کبری آن حضرت مهیا می شدند لذا به تدریج در همین دوره نیز ارتباط محدود و موردی شیعیان با امام زمان (علیه السلام) قطع شد و مسلمانان موظف شدند در امور خود به نایبان عام آن حضرت، یعنی فقهای واجد شرائط و آشنایان به احکام اسلام، مراجعه کنند.

تلاش عوامل بنی عباس برای دست یافتن به آخرین منجی نافرجام بود و دست قدرت خداوندی او را از دست یابی ستمگران مصون داشته بود. اما در پس این اقتدار آسمانی جامعه مسلمانان با یک حقیقت تلخ مواجه شده بود و آن محروم ماندن از درک مستقیم فیض و دیدار امام عصر بود. اسرار و ابعاد این پدیده اعجاب انگیز برای همیشه فکر و اندیشه خردمندان و دردمندان جوامع بشری را متوجه خود کرده است. غایب ماندن حجت خدا از دیدگان مردم چه مفاهیمی را در خود می گرفت؟ اگر چه همه اسرار غیبت روشن نیست اما از مجموعه اخباری که در دست ماست چند دستاورد تحصیل می شود:

**یک.** مومنین با ابتلا و آزمایش جدی از بقیه مردم و مدعیان جدا می شوند. به شهادت تاریخ سابقه مردم در تشخیص و تبعیت از امامان حق بسیار تاریک و ناامید کننده است و تقریباً تمامی انبیا و رسولان الهی و ائمه عصمت و طهارت با بی مهری و ناهمراهی امتهای خود مواجه شده بودند و در مقابل هدایت و از خودگذشتگی و اخلاص و صمیمیت ائمه حق نشانه ای جز پیمان شکنی، بی وفایی و ستیزه جویی در سابقه تاریخی امتهای ثبت نشده است. لذا یکی از سننهای ثابت الهی، آزمایش بندگان به منظور انتخاب صالحان و گزینش پاکان است.

**دو.** خداوند تعالی به وسیله غیبت، حجت خود و امام دوازدهم را از تعدی و قتل محفوظ و با این صیانت الهی جان مبارک او از خطر در امان مانده و به انجام مأموریت الهی و اهداف بلند اصلاحی خود موفق خواهد گردید. مرحوم کلینی در جلد ۱ اصول کافی صفحه ۳۲۷ از قول یکی از یاران امام صادق (ع) می گوید: امام صادق به من فرمود: «ای زراره آگاه باش که امام منتظر، پیش از قیام خویش مدتی از چشمها غایب خواهد شد.» عرض کردم: علت غیبت ایشان چیست؟ امام در پاسخ فرمود: «او بر جان خویش بیمناک خواهد بود.»

**سوم.** وجود مبارک امام عصر مأمور به تقیه از هیچ حاکم و سلطانی نیست و تحت حکومت و سلطنت هیچ ستمگری قرار نگرفته و نخواهد گرفت و هیچ عهد و میثاق و بیعتی با کسی بر عهده او نیست. مرحوم علامه مجلسی، در جلد ۵۱ بحار الانوار، صفحه ۱۵۲ و شیخ صدوق در باب ۴۴ کمال الدین، صفحه ۴۸۰ از حسن ابن فضال روایت کرده است که امام هشتم (ع) فرمود: «گویی شیعیانم را می بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم (امام حسن



### خداوند تعالی به وسیله غیبت، حجت خود و امام دوازدهم را از تعدی و قتل محفوظ و با این صیانت الهی جان مبارک او از خطر در امان مانده و به انجام مأموریت الهی و اهداف بلند اصلاحی خود موفق خواهد گردید





ویژه نامه نشریه زائر بعثه مقام معظم رهبری  
جمعه ۳ آبان ۱۳۹۲ - ۲۰ ذی الحجه ۱۴۳۴ - ۲۵ اکتبر ۲۰۱۳ - شماره ۲

### غیبت یعنی آزمایش

شیخ طوسی در صفحه ۲۰۴ کتاب الغیبه و مرحوم علامه مجلسی در جلد ۵۱، بحار الأنوار صفحه ۱۵۰ از حضرت امام موسی بن جعفر (علیه السلام) روایت کرده اند که فرمود: «هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مواظب دین خود باشید، مبدا کسی شما را از دین خارج کند. او ناگزیر غیبتی خواهد داشت، به طوری که گروهی از مؤمنان از عقیده خویش بر می گردند. خداوند به وسیله غیبت، بندگان خویش را آزمایش می کند...» پیامبر اکرم اسلام (ص) هم در ضمن حدیث مفصلی می فرماید: «مهدی از دیده شیعیان و پیروانش غایب می شود و جز کسانی که خداوند دل‌های آنان را به واسطه ایمان، شایسته قرار داده، در اعتقاد به امامت او استوار نمی ماند.»

## حج معنویت، هم اندیشی، اتحاد اسلامی

### باز آیی و به عدل عالم آرای

ای قطب جهان ولی دوران  
ای بانی کاخ داد و انصاف  
ای میر مظفر عدو بند  
باز آ که جهان در اضطراب است  
روزان و شبان در انتظاریم  
ای اصل محامد و معالی  
ای لطف تو رحمت الهی  
باز آیی و به عدل عالم آرای  
باز آیی و رسان به حق معلوم  
ای مالک وقت و آیت نصر  
ای مهدی هادی مظفر  
در هجر تو ای خلاصه دهر  
ای رهبر شیخ و شاب دریا  
ای هادی دین، ولی مطلق  
بر لشکر کفر حمله ور شو  
تسخیر نما همه جهان را  
ای سید و پیشوای ابرار  
ای عزت مسلمین کجایی؟  
بر خاور و باختر گذر کن  
باز یچه به بین بلاد اسلام  
عاری ز شهادت و شجاعت  
ای معدن جود و بحر احسان  
ای ماحی ظلم و جور و اجحاف  
در پرده جمال حق نما چند  
چون روی تو عدل در حجاب است  
در هجر تو سخت بی قراریم  
وی فخر مرانی و مجالی  
و ای خشم تو نعمت الهی  
ای عدل خدای عالم آرای  
مستضعف و مستمند و محروم  
ای حافظ شرع و صاحب عصر  
ناموس خدا امام اکبر  
رفته است توان و طاقت صبر  
ای میر فلک جناب دریا  
بر خیز و به نغمه‌ی انا الحق  
از شرق به سوی باختر شو  
دریا و زمین و آسمان را  
روشن به تو دیدگان احرار  
ای منجی صالحین کجایی؟  
زی قدس و حجاز هم سفر کن  
اندر کف حاکمان بدنام  
فارغ ز حمیت و صداقت  
وابسته به غرب یا به شرق اند  
سازشگر و خود فروش و دلق اند

(حضرت آیت الله صافی گلپایگانی)

### شاهکار آفرینش

### قامت رعناي توست

ای فضای آفرینش عطر خیز از بوی تو  
جنت فردوس اعلی پرتوی از حسن توست  
حوض کوثر در حقیقت قطره ای از جوی تو!  
حوریان پروانه سان گردند بر گرد رخت  
چشمه‌هایشان دوخته بر گردش ابروی تو!  
سیل اشک از دیدگان در جمع مشتاقان روان  
در فراق غمزه های نرگس جادوی تو  
تاج «یحییکم» نهد بر سر کنون «عظم رمیم»  
گر وزد بر خاک گیتی نفخه ای از کوی تو  
شاهکار آفرینش قامت رعناي توست  
در کمال حسن و زیبایی چو خلق و خوی تو!  
نقطه آن بام بسم الله که در آن رازهاست  
جملگی جمع است در خال لب هندوی تو!  
آیه والشمس رمزی از فروغ روی توست  
آیه واللیل راز سنبل گیسوی تو!  
خیل مشتاقان همه چشم انتظار قدمت  
بهر اصلاح خلاق دیده ها شد سوی تو  
روی بنما جان «ناصر» را صفائی تازه بخش  
ای همه عالم مصفا از صفای روی تو!

(حضرت آیت الله مکارم شیرازی)

